

قیمومت نظامی ایران زیر سایه مستشاران آمریکایی

۲۲ تیر ۱۳۹۵ ساعت ۱۷:۲۱

نخستین حضور رسمی، گروه‌های مستشاری نظامی در دوره محمدرضا شاه به دهه ۲۰ شمسی بازمی‌گردد که طی دو قرارداد جداگانه میان ایران و آمریکا در سال‌های ۱۳۲۲ و ۱۳۲۶، مستشاران آمریکایی وظیفه تعلیم و آموزش نیروهای نظامی ایران را بر عهده گرفتند.

جوان و تاریخ- مقالات

قدرت نظامی به عنوان یکی از ارکان قدرت هر کشوری، وابسته به توانایی آن کشور اعم از نوع و میزان تسلیحات، افراد آموزش دیده و مواردی از این دست می‌باشد. در کنار این موارد شاخص استقلال نظامی، گرچه کمتر مطرح می‌شود، اما بی شک عاملی مهم در قدرت نظامی محسوب می‌گردد. در این رابطه و در بررسی این شاخص در دوره پهلوی دوم باید گفت اسناد و واقعیات موجود، حکایت از وابستگی کشور به آمریکا در این زمینه، دارد. چنانچه بخش مهمی از نیروی نظامی ایران را مستشاران خارجی تشکیل میداد. حضور مستشاران آمریکایی در ایران، گرچه به خیلی پیشتر از این زمان بازمی‌گردد، اما در دوره محمدرضا شاه با توجه به افزایش وابستگی سیاسی وی به آمریکا، تشدید و تقویت گردید. اما این روند نه تنها کمکی به تقویت امنیت و قدرت نظامی کشور نکرد، بلکه در درازمدت با اعطای امتیازات و حقوقی ناعادلانه به این افراد، منجر به ناآرامیهای سیاسی و افزایش نارضایتی از کشور شد.

سابقه حضور مستشاران آمریکایی قبل از پهلوی دوم

سابقه حضور مستشاران نظامی (به عنوان متخصصین نظامی که از خارج استخدام می‌شدند)، در تاریخ معاصر ایران به دوره حکومت قاجار و بعد از شکست ایران از جنگ‌های روسیه بازمی‌گردد. بعد از شکست ایران از این جنگ‌ها، عباس میرزا جهت آموزش نیروی نظامی کشور، از مستشاران نظامی فرانسه و انگلیس دعوت کرد. علاوه بر این‌ها پیروزی مشروطیت و تشکیل ژاندارم، دولت‌مردان ایرانی مجدداً نسبت به استخدام وسیع مستشاران خارجی از کشورهای اروپایی از جمله سوئد اقدام نمودند و بخش مهمی از نیروی ژاندارم را سوئدیها تشکیل دادند. روند استخدام مستشار خارجی در دوره رضاشاه نیز تداوم یافت و وی نیز بعد از تأسیس دانشکده افسری، مبادرت به استخدام تعدادی از افسران و مستشاران نظامی فرانسوی در ارتش ایران نمود.

نخستین حضور رسمی، گروه‌های مستشاری نظامی در دوره محمدرضا شاه به دهه ۲۰ شمسی بازمی‌گردد که طی دو قرارداد جداگانه میان ایران و آمریکا در سالهای ۱۳۲۲ و ۱۳۲۶، مستشاران آمریکایی وظیفه تعلیم و آموزش نیروهای نظامی ایران را بر عهده گرفتند.

اما نقطه عطف اصلی در حضور و گسترش مستشاران آمریکایی بعد از کودتای ۱۳۲۸ اتفاق افتاد. پس از کودتا علاوه بر آن که وابستگی محمدرضا شاه به آمریکا افزایش یافت، دخالت آمریکا در امور داخلی کشور نیز رو به فزونی نهاد. یکی از عوامل افزایش دخالت آمریکا، بهره‌گیری از نیروهای مستشاری خود در ایران بود. «این کشور توانست به کمک نیروی مستشاری خود، دربار، دولت و نهادهای حکومتی ایران را تحت نفوذ خود بگیرد... به دلیل نقش ارتش در تقویت پایه‌های نظام سلطه در منطقه، شمار مستشاران نظامی در مقایسه با سایر مستشاران بسیار بیشتر بود»^۱ و با گذشت زمان باز هم بیشتر گردید.

چنانچه در دهه ۴۰ شمسی (۶۰ میلادی) نیز علیرغم درگیری آمریکا در جنگ ویتنام و درگیری نیروهای این کشور در جنگ، افزایش استخدام مستشاران نظامی همچنان ادامه داشت و «بین سالهای ۱۹۶۵-۱۹۵۰ دو هزار ایرانی در آمریکا آموزش نظامی دیدند که در داخل ایران سه گروه از مستشاران نظامی آمریکا به آموزش کارمندان ارتش و ژاندارمری مشغول بودند»^۲.

در این سالها با وجود آنکه شاه توانست به یمن افزایش قیمت نفت، به قدرتمطلقه دست یابد، اما در عرصه نظامی از جمله استخدام مستشار، همچنان به آمریکا وابسته بود. یکی از دلایل این موضوع اجرای دکترین نیکسون-کیسینجر توسط آمریکا بود. بر اساس این دکترین، ایران و عربستان به‌عنوان ژاندارم‌های منطقه انتخاب شدند و آمریکا از این وابستگی در زمینهای مختلف به خصوص در زمینه نظامی بهره‌زیادی برد. بدین معنا که ضمن سرازیر شدن سیل تسلیحات نظامی آمریکا به کشور، تعداد مستشاران نظامی نیز افزایش یافت که این موضوع در درازمدت از لحاظ سیاسی و اقتصادی به نفع آمریکا بود. در مقابل، ایران نیز به علت وابستگی به آمریکا، جهت تقویت بنیه نظامی خود چاره‌ای جز افزایش استخدام مستشار آمریکایی نداشت.

نکته قابل توجه در رابطه با حضور مستشاران علاوه بر وابسته نمودن کشور و سلب استقلال نظامی، میزان حقوق و هزینه استخدام این افراد بود. «طبق پیش‌بینی کارشناسان پنتاگون تا سال ۱۳۵۶، تعداد مستشاران نظامی آمریکا در ایران به ۶۰ هزار نفر خواهد رسید که اگر حد متوسط حقوق ماهیانه هریک از آنها را شش هزار تومان فرض شود، دولت ایران مجبور بود برای ۴۵ هزار مستشار سالانه ۲۴/۳ میلیارد دلار بابت حقوق آنها پردازد»^۳.

بنابراین برخلاف انتظارات، آمریکا توانست در زمینه نظامی و اعزام مستشاران خود بهره‌زیادی ببرد. مزیت‌هایی که آمریکا در رابطه با این موضوع داشت سبب شد تا از حربه اعطای کمک‌های نظامی نیز بهره‌جسته و بر میزان حمایت‌های نظامی خود از ایران بیفزاید. چنانچه طبق آمار و اسناد موجود، «کمک‌های نظامی آمریکا تا سال ۱۹۷۱ به ۳/۱۲۲ میلیون دلار رسید، این در حالی بود

که کمکهای اقتصادی در این سال ۷۸ میلیون دلار بود. «۴ به دنبال این اتفاق، خرید تجهیزات نظامی ایران از آمریکا نیز افزایش یافت.

فروش تجهیزات نظامی گسترده خود عامل مهمی در به کارگیری و افزایش مستشار نظامی توسط ایران بود؛ زیرا یکی از دلایل فرستادن تعداد بسیار زیاد افراد نظامی، غیرنظامی و مشاور برای جبران کمبود شدید نیروی انسانی ماهر لازم برای کاربردی کردن این سلاحها بود. در سال ۱۹۷۶م. معلوم بود اکثریت ۲۴ هزار نفر آمریکایی که در ایران هستند، نظامی و یا وابسته به امور نظامی هستند. همان طور که گفته شد انتظار می‌رفت که به علت خرید اسلحه از آمریکا این تعداد تا سال ۱۹۸۰م. ۱۳۵۹ (هش) به ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر برسد.

بنابراین با افزایش تعداد مستشاران آمریکایی نه تنها قدرت نظامی شکل نگرفت، بلکه اعتبار نظامی ایران، به قیمت از دست رفتن استقلال سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران تمام شد؛ زیرا این افراد که از حقوق و مزایای زیادی برخوردار بودند، جهت افزایش آزادی عمل خود خواستار مصونیت حقوقی و قضایی گردیدند که این موضوع در نهایت باعث تصویب لایحه جنجالی کاپیتولاسیون گردید. تصویب این لایحه آمریکا و مستشاران نظامی را در موقعیت برتری نسبت به افراد نظامی و غیرنظامی ایران قرار داد؛ زیرا مبادلات نظامی این کشور با ایران، ناشی از منافع کشور آمریکا در جهت تقویت جایگاه خود در منطقه بود نه کمک به وضعیت نظامی ایران در مواجهه با تجاوز بیگانگان از سوی، زمانی که «کارآمدترین افراد نیروهای سه‌گانه ایالات متحده ظاهراً به منظور مشاوره و رایزنی در مسائل ارتش ایران وارد کشور می‌شدند، هر گونه خلاقیت، نوآوری و استقلال نیروهای مسلح ایران را سرکوب می‌کردند. علاوه بر این اکثر خریدهای نظامی ایران در راستای تولیدات تسلیحات ایالات متحده بود و آنچه آنان دیکته می‌کردند، قابلیت اجرا می‌یافت.» ۶

پی نوشتها:

۱- شاداب عسگری، مستشاران نظامی آمریکا در ایران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴، بخش مقدمه، ص ۳.

۲- علیرضا ازغندی، روابط خارجی ایران و دولت دست‌نشانده ۱۳۵۷-۱۳۲۰، تهران، نشر قومس، چاپ ششم، ۱۳۸۴، ص ۲۸۹

۳- ازغندی، همان، ص ۳۴۶.

۴- ازغندی، همان. ص ۲۹۰.

۵- رابرت گراهام، ایرانسرا بقدرت، ترجمه‌ی فیروز فیروزنیا، چاپ اول، تهران، سحاب، ۱۳۵۸، ص ۲۲۴

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۱۰۰/مستشاران-سایه-زیر-ایران-نظامی-قیمومت/>